

اقداماتی که در **حوادث دی** صورت گرفته بود واقعاً بسیار وحشیانه بود. به دلیل نبود آمادگی لازم در مدیریت ماجرا افراد زیادی آسیب دیدند. نمی‌توانم آن را فراموش کنم | شخصیت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای استثنائی است | اگر تا امروز مانده‌ایم به خاطر مردم نجیب ایران بوده است.

در شورش دیگر تشخیص دوست و دشمن آسان نیست؛



«مسعود پزشکیان» در گفت‌وگویی صریح و صادقانه با مردم که به مناسبت پایان دومین سال فعالیت دولت چهاردهم صورت گرفت گفت:

در این مدت، تمام تلاش دشمن این بوده است که ما را از هم بپاشند. اگر تا امروز مانده‌ایم، به خاطر مردم نجیب ایران بوده است که ما را نگه داشته‌اند؛ نه فقط آن‌هایی که در خیابان بودند، بلکه آن‌هایی که در دلشان عقده‌ها و گلیه‌هایی داشتند، اما به خاطر ایران به خیابان نیامدند و مشکلی ایجاد نکردند؛ نه تنها مشکل ایجاد نکردند، بلکه همراهی، همدلی و هم‌صدایی کردند.

به گزارش اسپادانا خبر، مشروح قسمت اول گفت‌وگوی رئیس‌جمهور با خبرگزاری‌ها در آستانه آغاز سال سوم ریاست‌جمهوری به شرح زیر است:

آقای دکتر، خیلی ممنونم از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید. اکنون در آغاز سومین سال ریاست‌جمهوری شما هستیم؛ اگر بخواهید این دو سال را توصیف کنید، چه تعبیری از آن خواهید داشت؟

کشور علی‌رغم نقشه و طراحی دشمنان با قدرت اداره شده است

بسم‌الله الرحمن الرحیم. دو سال که گذشت دیگر؛ آنچه عیان است، چه حاجت به بیان است. از همان روز اولی که خواستیم مسئولیت را بر عهده بگیریم، مهمان عزیزمان، اسماعیل هنیه را شبانه شهید کردند. پس از آن نیز مشکلاتی وجود داشت که همچنان ادامه پیدا کرد؛ ناترازی‌هایی که داشتیم و نگرانی از اینکه ممکن است در زمستان برق و گاز نداشته باشیم و مردم با مشکل مواجه شوند. وضعیت آب نیز نامناسب بود که البته سال بعد بدتر هم شد. خشکسالی‌ای که در سال ۱۴۰۴ وجود داشت، در ۵۰ سال گذشته بی‌سابقه بود و واقعاً شرایط بسیار سختی را ایجاد کرد. در نهایت، بحث اسنپ‌یک را به راه انداختند، جنگ ۱۲ روزه را آغاز کردند و اتفاقاتی که در ۱۸ و ۱۹ دی رخ داد، بر مشکلات افزود. نقشه‌هایی کشیده بودند و تصور می‌کردند می‌توانند ایران را مانند سوریه، مثلاً ظرف ۴۸ ساعت، تصرف کنند. جنگ رمضان و شهادت بزرگان و عزیزانی که از دست دادیم نیز بسیار دردناک و سخت بود. با وجود همه این سختی‌ها و مشکلات، دولت، مدیران، استانداران، فرمانداران، بخشداران، کارمندان، مردم و نیروهای مسلح، کشور را تا اینجا رساندند؛ به گونه‌ای که امروز از ایران به عنوان کشوری قدرتمند و با عزت بسیار بالا نام می‌برند. این کار ساده‌ای نبود. در میان همه این مشکلات، دولت تا جایی که از دستش برآمده و توانسته است، تلاش کرده مردم آن احساسی را که طراحان این جنگ‌ها و نقشه‌ها به دنبال ایجاد آن بودند تا فروپاشی اجتماعی ایجاد کنند، تجربه نکنند. آنان می‌خواستند جامعه ما را به هم بریزند، اما این اتفاق رخ نداد و کشور تا امروز با قدرت اداره شده است.

آقای رئیس‌جمهور، یکی از واژه‌های پرتکرار در دوران ریاست‌جمهوری شما، واژه «مردم» بوده است. این سؤال وجود دارد که منظور شما کدام مردم است؟ مردمی که اصلاً رأی ندادند، مردمی که در دی‌ماه اعتراض کردند یا مردمی که این ۱۵۰ روز در خیابان بودند؟ آیا میان مردم تفکیکی قائل می‌شوید یا منظورتان از مردم، همان ۹۵ میلیون ایرانی است؟

اگر تا امروز مانده‌ایم، به‌خاطر مردم نجیب ایران بوده است

خیلی روشن است. اگر به قرآن و باورهای دینی‌مان نگاه کنید، خداوند به حضرت داوود می‌فرماید: «یا داوود انا جعلناک خلیفه فی الارض فاحکم بین الناس بالحق ولا تتبع الهوی فیضلک عن سبیل الله». یعنی ما تو را خلیفه قرار دادیم تا بین مردم، یعنی همه مردم، به حق حکم کنی و تابع هوای نفس نباشی. قرآن پر از این آیات است. تابع هوای نفس بودن یعنی اینکه گروه، جناح و دسته خودت را در نظر بگیری؛ در حالی که باید با مردم به‌درستی رفتار کرد. حضرت علی(ع) نیز در دستور خود به مالک اشتر می‌فرمایند: «واشعر قلبک الرحمة للرحمة والمحبة لهم واللفظ بهم»؛ یعنی قلبت را از محبت، رحمت و لطف نسبت به مردم مالا مال کن. بعد می‌فرمایند: «فانهم صنفان، اما اخ لك فی الدین او نظیر لك فی الخلق»؛ مردم دو دسته‌اند؛ یا از نظر اعتقادی با تو یکی هستند یا در خلقت با تو برابرند. ممکن است دچار لغزش شوند و عمداً یا به‌خطا اشتباه کنند. تو به‌عنوان حاکم از آنان بگذر و با مهربانی با آن‌ها برخورد کن. این امتحان سختی است که خداوند از تو می‌گیرد. بعد هم می‌فرمایند: «ولا تنصبن نفسک لحرب الله»؛ خودت را در مقابل خدا قرار نده. یعنی اگر ما با مردم با مهربانی، عطوفت و به‌صورت خدمتگزارانه برخورد نکنیم، در حال جنگ با خدا هستیم. منظور از مردم، همه کسانی هستند که در این مملکت زندگی می‌کنند؛ مستقل از عقیده، باور، نگاه، جنسیت و قومیتشان. حاکمیت وظیفه دارد بر اساس عدالت با آنان برخورد و به‌حق با آن‌ها رفتار کند. متأسفانه ما در این زمینه مشکلات زیادی داریم و برای اینکه بتوانیم این روند را اصلاح کنیم، به فرصت نیاز داریم. در این مدت، تمام تلاش این بوده است که ما را از هم پاشند. اگر تا امروز مانده‌ایم، به‌خاطر مردم نجیب ایران بوده است که ما را نگه داشته‌اند؛ نه فقط آن‌هایی که در خیابان بودند، بلکه آن‌هایی که در دلشان عقده‌ها و گلیه‌هایی داشتند، اما به‌خاطر ایران به خیابان نیامدند و مشکلی ایجاد نکردند؛ نه تنها مشکل ایجاد نکردند، بلکه همراهی، همدلی و هم‌صدایی کردند.

دولت خود را خدمتگزار و منت‌دار مردم می‌داند

تنها کسانی که در خیابان بودند، ایران ما را نگه نداشتند؛ همه مردمی که این سختی‌ها را می‌بینند و تحمل می‌کنند، برای ایران و کشورشان این کار را انجام می‌دهند. ما خود را خدمتگزار و منت‌دار این مردم می‌دانیم و از خدا می‌خواهیم کمک کند تا شرم‌نده آنان نشویم. به هر حال، اوضاعی که اکنون با آن مواجهیم، سخت‌ترین شرایط ممکن در طول تاریخ پس از انقلاب بوده است. تحریم‌ها وجود داشت و شدیدتر شد. پس از آن، بانک‌ها و روند مالی ما را نیز تحریم کردند. به این قناعت نکردند و جنگ به راه انداختند. باز هم به این قناعت نکردند و ما را محاصره کردند. یعنی در بدترین شرایط ممکن می‌خواهند ما را زمین‌گیر کنند اما وقتی با مردم یاشیم، هیچ قدرتی نمی‌تواند ما را زمین‌گیر کند؛ به‌شرط آنکه این را از ته دل بپذیریم و باور کنیم. اکنون تمام نقشه‌هایی که آن‌ها می‌کشند و فشارهایی که وارد می‌کنند، برای این است که مردم را ناراضی و به‌اصطلاح به اعتراض وادار کنند. اما این مردم نجیب‌اند؛ برای ایران، کشور و آینده کشورشان ایستاده‌اند و خواهیم ایستاد. ما نیز به این مردم عزیز قول می‌دهیم تا جان در بدن داریم و نفس می‌کشیم، با تمام وجود به آنان خدمت کنیم.

آقای رئیس‌جمهور، بر اساس گفتمان وفاق، دو برداشت در جامعه شکل گرفت: یکی اینکه آیا دولت، شرکت سهامی است که از هر جریان و جناحی سهمی در آن در نظر گرفته شود؛ یا اینکه منظور از وفاق، توافق و تفاهم با نیروهای مختلف و همه مردم برای حل مشکلات کشور است؟ از دیدگاه شما، وفاق به معنای دولت سهامی است یا توافق و تفاهم برای حل مشکلات؟

باید پُست‌ها را به افراد شایسته بدهیم نه به هم‌جناحی‌های خودمان

از نظر اعتقادی خداوند می‌فرماید: «إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ۚ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ ۚ». اینکه یکی زن است و دیگری مرد، یکی گرد است و دیگری عرب، عجم، ترک یا بلوچ؛ یکی سیاه است، یکی سفید و دیگری زرد، هیچ‌کدام نشانه برتری نیست. نشانه برتری، تقواست. می‌دانید تقوا یعنی چه؟ آنچه من از تقوا می‌فهمم، حرکت بدون خطاست. من پزشک، اگر بیمار را درست، بدون عارضه و با کیفیت خوب عمل کنم، متقی هستم. ممکن است پزشکی نماز بخواند، نماز شب بخواند و همه آن چارچوب‌هایی را که می‌گویند رعایت کند و ظاهراً نیز خیلی حزب‌اللهی باشد؛ اما وقتی بیمار را عمل می‌کند، بیمار با عارضه از اتاق عمل بیرون بیاید یا با مشکلی مواجه شود. در مقابل، ممکن است فردی به باورهای من معتقد نباشد، اما بیمار را درست عمل کند. آن فرد از منی که ادعا دارم، متقی‌تر است. اگر با این نگاه به جامعه نگاه کنیم، ملاک همکاری با افراد و کار کردن با یکدیگر، عملکرد بدون خطاست؛ چه در اقتصاد، چه در صنعت، کشاورزی، هنر، مدیریت و هر حوزه دیگری. اگر بر این مبنا با انسان‌ها برخورد کنیم، دیگر این‌گونه نخواهد بود که چون من وابسته به فلان دسته و گروه هستم، پس برترم. آن کسی که توانمندتر و کم‌خطاتر است، حتی اگر در باور و ذهنیتش ما را قبول نداشته باشد، حق با اوست. «ان اکرمکم عند الله اتقاکم»؛ یعنی کسی که باتقواتر، عالم‌تر و توانمندتر است. من بارها این موضوع را درباره قرآن گفته‌ام. خیلی‌ها قرآن می‌خوانند. سوره الرحمن را می‌دانید؛ وقتی در مجالس شرکت می‌کنیم، در پایان سوره الرحمن را می‌خوانند. روزی وقتی این سوره را می‌خواندم، یک جهان‌بینی را مطرح می‌کند: «الرحمن، علم القرآن، خلق الانسان، علمه الیابان، الشمس والقمر بحسبان، والنجم والشجر يسجدان، والسماء رفعها ووضع المیزان». وقتی این جهان‌بینی را مطرح می‌کند، بعد می‌فرماید: «الا تطغوا فی المیزان، واقیموا الوزن بالقسط ولا تخسروا المیزان»؛ یعنی وزن‌ها را بر اساس عدالت

قرار دهید، کم و زیادش نکنید. یک جهان‌بینی را بیان می‌کند و بعد می‌گوید این کار را نکنید. ما همین آیات را برای مرده‌ها می‌خوانیم. اگر به همین آیات عمل کنیم، پست را به آدم ناتوان نمی‌دهیم، عده‌ای آدم بی‌سواد را بر آدم‌های باسواد حاکم نمی‌کنیم و مدیریت را به کسانی که وزنشان کمتر است، نمی‌سپاریم؛ زیرا می‌گوید تمام دنیا حساب‌و‌کتاب دارد. پس تو چرا این کار را می‌کنی؟ ما در حال انجام همین کارها هستیم. اگر همین آیاتی را که برای مرده‌ها می‌خوانیم، در عمل و اجرا به کار می‌بستیم، مشکلی نداشتیم. همه باید حضور داشته باشند؛ اما بر اساس لیاقت، توانمندی و عرضه‌شان، نه بر اساس حزب، جناح، دسته و نگرششان. این همان چیزی است که باید به آن توجه کنیم.

آقای رئیس‌جمهور در این جنگ جنایت کم رخ نداد؛ هر یک از این جنایات ها میتواند پرونده یک جنایت جنگی باشد. اتفاقاتی که در جنگ اخیر رخ داد چه مقدار به نگاه شما در مبحث حقوق بشر و بحث سازمان های بین المللی در دفاع از انسانیت اثر گذاشت؟

دشمن با هر چیزی که نماد توانمندی ما باشد مشکل دارند

من بارها گفته‌ام مباحثی که درباره حقوق بشر، حقوق حیوانات، آزادی‌ها و موضوعات مشابه مطرح می‌کنند، پیش از این هم در ذهن من چندان باورپذیر نبود؛ اما اکنون دیگر کاملاً فرو ریخته است. نخستین سؤال این است که رهبر ما را به چه دلیل و به چه جرمی شهید کردند؟ فرماندهان و دانشمندان ما را به چه جرمی به شهادت رساندند؟ چرا کودکان ما را هدف قرار دادند؟ هرچه فکر می‌کنم، هیچ منطق و توجیهی برای این اقدامات نمی‌بینم. آن‌ها با هر نمادی از توانمندی، ایستادگی، ابتکار و خلاقیت ما مشکل دارند. دانشگاه‌ها، مراکز هوا فضا و مراکز فعال در حوزه هوش مصنوعی را هدف قرار می‌دهند و استادان دانشگاهی را که دانشمند، خلاق و توانمندند، به شهادت می‌رسانند. آن‌ها نمی‌خواهند ما انسان‌های توانمند داشته باشیم. در میان مدیران و فرماندهان نیز کسانی را هدف قرار می‌دهند که واقعاً جان‌فدا بودند؛ نه فقط در کلام، بلکه در عمل تمام زندگی خود را برای این مردم گذاشته بودند. آن‌ها نباید باشند تا افرادی باقی بمانند که یکی به نعل و یکی به میخ بزنند و مردم نیز از عملکردشان ناراضی شوند و بپرسند این‌ها چه کسانی هستند که مدیر ما شده‌اند؟ بسیاری از فرماندهان و دانشمندانی که شهید شدند، زندگی بسیار ساده‌ای داشتند. بروید زندگی‌شان را ببینید؛ بعضی از آن‌ها خانه نداشتند و خانه برخی دیگر بسیار کوچک بود. دارایی قابل‌توجهی نداشتند. همین شیوه زندگی، نشانه صداقت و فداکاری آن‌هاست؛ انسان‌هایی که در آن جایگاه‌ها قرار داشتند، اما خود و خانواده‌شان مانند مردم عادی زندگی می‌کردند.

آقای دکتر وقتی خبر شهادت ۱۲۰ کودک را شنیدید چه حسی داشتید؟

ببینید، همان‌طور که گفتم، احساس را نمی‌شود با کلمات بیان کرد. حسی شبیه بغضی است که در گلو می‌ترکد و فقط با اشکی که از چشم انسان جاری می‌شود، خودش را نشان می‌دهد؛ اما نمی‌توان گفت چه چیزی انسان را وادار کرده که اشک از چشمانش سرازیر شود. دست‌کم من نمی‌توانم این احساس را توصیف کنم. فقط می‌دانم که ناخودآگاه، اشک از چشمان انسان جاری می‌شود.

روز ۹ اسفندماه رهبر معظم انقلاب اسلامی به شهادت رسیدند، شما چه زمانی از شهادت ایشان مطلع شدید و چه حسی داشتید؟

ما همین‌جا جلسه داشتیم که این محل را زدند و در حقیقت همان‌جا احساس کردم این اتفاق افتاده است؛ چون با نحوه‌ای که حمله کرده بودند و با توجه به اینکه گفته می‌شد رهبر عزیزمان آنجا حضور دارند، طبیعی بود چنین احساسی به انسان دست بدهد؛ همان حسی که گفتم و توصیف‌کردنی نیست. به‌هرحال، ما سرمایه و پشتوانه بزرگی را از دست دادیم؛ به‌ویژه دولت که ایشان مانند کوه پشت آن ایستاده بودند و پشتیبانی می‌کردند. من صادقانه همه حرف‌هایمان را با ایشان در میان می‌گذاشتم. شاید اکنون بسیاری از مطالب را نگفته باشم که آنجا در محضر رهبر عزیزمان مطرح می‌کردم. ایشان واقعاً به ما کمک و همراهی می‌کردند. اگر حمایت ایشان نبود احتمال تنش‌های اجتماعی زودتر از زمانی که اتفاق افتاد ممکن بود خودش را نشان بدهد. دشمن روی این مساله حساب باز کرده بود که با شلیک موشک و تخریب مملکت را ساقط خواهند کرد. اما پشتیبانی ایشان اجازه نداد. وقتی مستأصل شدند مقام معظم رهبری را شهید کردند. کار بسیار وحشیانه آنها انجام گرفت و گمان می‌کردند که دیگر کشور دچار فروپاشی خواهد شد، اما ادامه یافت و رهبر عزیز ما انتخاب شد. ولی اکنون وجود رهبر جدید و عزیزمان نقطه قوت بسیار بزرگی برای ماست تا بتوانیم این مسیر را ادامه دهیم، هرچند ارتباط با ایشان اکنون بسیار دشوار است. در همین موضوعی که مطرح شد، پیامی از ایشان منتشر شد که «علی‌الاصول موافق نبودم»، اما در نهایت اجازه دادند این روند شکل بگیرد. عده‌ای که به‌دنبال تفرقه و زنده کردن شکاف‌ها بودند و می‌خواستند به اهداف حزبی خود برسند، این موضوع را بزرگ کردند؛ در حالی که سخن ایشان کاملاً درست بود. ایشان دیدگاهی داشتند و پس از جمع‌بندی‌ای که در همان شورا انجام شد، گزارش‌ها به خدمتشان ارائه شد. فرمودند اگر سه‌چهارم آرا را به دست آورد، من می‌پذیرم. این تصمیم به‌جای سه‌چهارم، رأی ۱۲ نفر از ۱۳ نفر را به دست آورد و ایشان نیز پذیرفتند. این یعنی نظر کارشناسی را پذیرفتند و بر اساس نظر کارشناسی تصمیم گرفتند اما همین موضوع بهانه‌ای در اختیار عده‌ای قرار گرفت تا شکاف ایجاد کنند و سخنانی بگویند که نه منصفانه بود و نه صادقانه. تلاش کردند مسئله را به‌گونه‌ای جلوه دهند که دیگران چنین و چنان‌اند، انصاف هم چیز خوبی است. شهید دکتر بهشتی در کتاب «حق و باطل از دیدگاه اسلام» با استناد به قرآن و روایات می‌فرمایند احادیث فراوانی وجود دارد که می‌گوید انصاف نیمی از دین است؛ اما ایشان می‌گویند من معتقدم انصاف تمام دین است. چیزی را که برای خود نمی‌پسندی، نباید برای دیگران نیز بپسندی. واقعیت این است که من در این رفتارها انصافی نمی‌بینم.

آقای رئیس‌جمهور، در دوران جنگ موضوع بازگشت ایرانیان خارج از کشور بسیار مطرح شد. ظاهراً شما در

همان مقطع درباره این مسئله با رهبر شهید نیز گفت‌وگو کرده بودید. در آن گفت‌وگو چه مباحثی مطرح شد و نگاه ایشان به بازگشت ایرانیان خارج از کشور چه بود؟

بله، من این موضوع را با ایشان مطرح کرده بودم و قرار شد نامه‌ای خدمتشان بنویسیم. به وزارت امور خارجه و همکاران خودمان نیز گفتم پیگیری کنند تا به دستگاه‌های امنیتی ابلاغ شود هر ایرانی که می‌خواهد به کشور بازگردد، برای ورودش مشکل ایجاد نکنند. اگر فردی پیش از ورود مسئله‌ای دارد، همان ابتدا به او اعلام کنند که نباید یا از همان‌جا بازگردد؛ نه اینکه وارد کشور شود، او را بازداشت کنند و اجازه بازگشت هم ندهند. هر ایرانی باید بتواند به راحتی وارد ایران شود و برای او مانع ایجاد نکنند. این موضوع تأیید شده بود و قرار بود تا پایان پیگیری شود، اما متأسفانه فرصت نشد آن نامه را از ایشان بگیریم. ان شاء الله بتوانیم این کار را با رهبر عزیزمان به نتیجه برسانیم. هر ایرانی که در خارج از کشور زندگی می‌کند، ایران خانه اوست؛ باید بتواند بیاید و به راحتی بازگردد و ما نباید برای مانع ایجاد کنیم. اگر قرار است کسی اجازه ورود نداشته باشد، باید از ابتدا صریحاً به او گفته شود که نباید؛ نه اینکه وارد کشور شود و بعد او را بگیرند و نگذارند بازگردد. این کار نامردی است.

آیا رهبر شهید در همراهی با شما می‌خواستند این اقدام انجام شود و آن را تأیید می‌کردند، یا این صرفاً نظر شخصی شما بود؟

اگر ایشان باور و اطمینان نداشتند، آن را تأیید نمی‌کردند. رهبری این‌گونه نیستند که صرفاً به خاطر ما تصمیمی بگیرند.

یکی از رخدادها مهم جنگ ۱۲ روزه، ماجرای سوءقصد به شما در عصر ۲۵ خرداد بود. آقای حاجی میرزایی در گفت‌وگویی روایت کردند که شما بلافاصله پس از آن ترور به ملاقات رهبر انقلاب رفتید. وقتی ایشان متوجه شدند شما هدف سوءقصد قرار گرفته‌اید، چه واکنشی نشان دادند و در آن دیدار چه سخنانی میان شما ردوبدل شد؟

آن روز قرار بود ساعت پنج خدمت رهبری برسیم. حدود ساعت چهار و نیم، هنگامی که در جلسه بودیم، آنجا را بمباران کردند و در نتیجه نتوانستیم در زمان مقرر به دیدار برویم. به‌رحال زنده ماندیم و از محل بیرون آمدیم؛ در حالی که تمام بدنمان خاکی شده بود و پا و زانوهایمان نیز زخمی شده بود. بعد به ما گفتند آقا همچنان منتظر شما هستند. حدود ساعت شش و چهل و پنج دقیقه به دیدار ایشان رسیدیم و ایشان فقط منتظر بودند ما را ببینند. ماجرا را خدمتشان توضیح دادیم؛ ایشان نیز دستوراتی دادند و برای ما دعا کردند. پس از پایان جلسه هم به خانه بازگشتیم. ایشان مانند یک کوه در پشتیبانی از دولت حامی بودند و اگر دستاوردی داشته‌ایم به دلیل پشتیبانی ایشان بود. اکنون که عده‌ای زمینه را فراهم دیده‌اند و حرف‌هایی را بیان می‌کنند یا بی‌اطلاع هستند یا نسبت به وضعیت آگاه نیستند یا بی‌انصاف هستند.

در نخستین جلسه‌ای که درباره آسیب‌دیدگان حوادث دی برگزار شد، چه موضوعاتی با مقام معظم رهبری شهید مطرح شد؟

ایشان بسیار ناراحت بودند و ما هم به شدت ناراحت بودیم؛ چون اقداماتی که صورت گرفته بود واقعاً بسیار وحشیانه بود. از طرفی، به دلیل نبود آمادگی لازم در مدیریت ماجرا، افراد زیادی آسیب دیدند. جوانان زیادی جان باختند و شهید شدند و عده‌ای نیز اعضای بدن خود را از دست دادند. این حادثه هنوز هم از ذهن من خارج نمی‌شود و نمی‌توانم آن را فراموش کنم. ما نباید اجازه می‌دادیم کار به اینجا برسد. خود ترامپ نامرد هم صریحاً گفت که این افراد را مسلح کرده و از آن‌ها پشتیبانی می‌کرده‌اند؛ بنابراین روشن بود که چه هدفی داشتند. با این حال، عده‌ای از افراد بی‌گناه نیز در میان آن‌ها قرار گرفته بودند. واقعیت این است که ما مشکلاتی داشتیم و همچنان هم داریم. عده‌ای به حق مشکلات خود را مطرح می‌کردند، اما گروهی دیگر می‌خواستند از این فضا برای تحقق نیت‌های شوم و پلید خود استفاده کنند و همین مسئله باعث شد روند درهم‌آمیخته شود.

می‌گویند:

حقیقت سرایی است آراسته
هوا و هوس گرد برخاسته
نبینی که جایی که برخاست گرد
نبیند نظر، گرچه بیناست مرد

وقتی یک اعتراض به شورش تبدیل می‌شود، دیگر تشخیص دوست و دشمن آسان نیست و روند به نقطه‌ای می‌رسد که حوادث سختی رخ می‌دهد.

شما دیدید برخی رسانه‌ها و خبرنگاران مدعی شدند در ایران ۴۰ هزار یا ۶۰ هزار نفر کشته شده‌اند. وقتی دیدیم چنین فضایی شکل گرفته است، گفتیم اسامی و کد ملی همه جان‌باختگان و شهدا را اعلام کنند و هر کس نام فرد دیگری را دارد، ارائه دهد. اما کسانی که در خارج از کشور نشسته‌اند و خود را دلسوز، آگاه و گاهی روشنفکر و دانشمند نشان می‌دهند، یک آمار حدود سه‌هزار نفری را به ۳۰ یا ۴۰ هزار نفر تبدیل کردند و افکار عمومی را به انحراف کشاندند. این رفتار نشان می‌دهد که چقدر نامرد و وطن‌فروش هستند.

آقای دکتر، در مکاتبات و دیدارهایی که با آقا محبتی داشتید، مهم‌ترین ویژگی‌هایی که از شخصیت، نگاه و شیوه گفت‌وگوی رهبر انقلاب در ذهن شما شکل گرفت، چه بود؟

بینید، من بارها این موضوع را چه علنی و چه در جلسات خصوصی گفته‌ام. شخصیتی که من از ایشان دیدم، از نظر اخلاق، منطق و تواضع واقعاً استثنایی بودند. به همین دلیل معتقدم هرچه بتوانیم مسائل و درد دل‌هایمان را صریح‌تر با ایشان در میان بگذاریم، بهتر می‌توانیم به تفاهم برسیم. ایشان فردی کاملاً منطقی و بسیار بردبار هستند. من هرچه در دل داشتم، صریحاً بیان کردم تا در جریان مسائل قرار بگیرند و ایشان نیز با مهربانی، منطق و برخوردی بسیار مناسب با ما مواجه شدند. به همین دلیل، مطالبی که گاهی از قول ایشان مطرح می‌شود، با شخصیتی که من دیده‌ام تطابق ندارد. چهره‌ای که برخی از ایشان ترسیم می‌کنند، با واقعیت متفاوت است. متأسفانه وضعیت فعلی تا حدی فضا را برای برخی خناسان فراهم کرده است تا مسائل را به‌گونه‌ای دیگر تعریف و چهره‌ای متفاوت از ایشان ارائه کنند.

برچسب‌ها: [مسعود پزشکیان](#) [1]

[رسانه](#) [2]

[دولت](#) [3]

[جنگ](#) [4]